

محبوبه عظیم زاده



بیست و سوم –آر بیست ودومین نشست از سلسله نشست های ادبی کافه کتاب « آفتاب » برگزار شد که به نقدوبررسی کتاب «ایرانیان و رؤیای قرآن داشت. «ایرانیان و رؤیای قرآن پارسی» تازه ترین اثر استاد بازنشسته دانشگاه فردوسی است که پیش ازاین آثار متعددی همچون «صد سال عشق مجازی؛ مکتب وقوع و طرز واسوخت در شعر فارسی قرن دهم» و «صور خیال متعالیه: خوانش صدایی اندیشه های صائب تبریزی» را عرضه کرده است. اما آنچه اثر تازه فتوحی را حائز اهمیت می کند تلاش او برای یافتن پاسخ پرسشی قدیمی است: آیا متون ادبی سترگ فارسی نمود رؤیای جامعه ایرانی برای دستیابی به «قرآن پارسی» است؟ فتوحی برای تفحص دراین باب، در کتاب اخیر، فصل هایی مجزا را به بررسی سه اثرمن فارسی اختصاص داده است که به ترتیب عبارت اند از «شاهنامه، قرآن عجم»، «مثنوی معنوی، قرآن پارسی» و «حافظ، لسان الغیب». در نشست یادشده، استادان ادبیات و فلسفه، یوسف پینا و علیرضا آزاداملی و غلامرضا اصفهانی، در کنار نویسنده کتاب، برای جمعی از علاقه مندان، درباره «ایرانیان و رؤیای قرآن پارسی» و مدعیات فتوحی سخن گفتند.

یوسف پینا:



فتوحی آثار ادبی را همچون متون فلسفی دیده است

مطالعه ادبیات به مثابه تاریخ اندیشه، و نگاه به آثار مهم ادبیات فارسی راهی بود که باید باروش های مطالعاتی جدید دوباره از سر گرفته می شد. سه کتاب اخیر دکتر فتوحی در همین راستاست، و کتابی هم که در باب قصیده سبک خراسانی در دست تألیف دارد ازهمین منظر بسیار اهمیت دارد. آثاری مثل «شاهنامه» فردوسی یا «مثنوی معنوی» یادپوان حافظ یاغزلیات سعدی اثری نیستند که فقط با یک مطالعه فرمی بشود از کنارشان گذشت، آثار بزرگی هستند که نگاه به آن ها باید نگاه به یک متن بزرگ فلسفی باشد. در بخش نظری این کتاب، بحثی مطرح شده درباره روش مطالعه تاریخ ادبیات از منظر یی خاص، که تاریخ یک متن، به تعبیر دکتر «زیستمان»، است، نه خود متن، که مبحث مهمی است. او، دراربطه با آثار بزرگی چون «شاهنامه» و دیوان حافظ و «مثنوی»، نشان داده است که ایرانیان در طول تاریخ به دنبال برساختن مفهوم «قرآن پارسی» بوده اند.

به نظرم، کتاب دکتر فتوحی کتابی است که وقتی بحث نظری آن را مطالعه کردم احساس کردم جاهایی نیاز به بسط بیشتر داشته، او، در مقدمه کتاب، بحث زیستمان متن و زادمان متن، یعنی شکلی را که یک متن انجام یافته-و پژوهش های کلاسیک ادبیات روی آن متمرکز بوده- جدا از بحث تاریخ متن دیده، و به این جدادیدن اصرار دارد. اما، به اعتقاد من، در باب آثار ادبی، و به ویژه شاهکارها، نمی توان خیلی جداکرد این دو منظر را؛ حتما آثار مهم ادبیات فارسی کیفیت درونی ویژه ای دارند که بر زیستمانشان تأثیرگذار است و جداکردن آن ها شاید ابهاماتی را ایجاد کند.

علیرضا آزاد:



کتاب فتوحی پیوندشعر،فلسفه ووحی است
از خواندن هیچ یک از کتاب های دکتر فتوحی به اندازه این لذت نبردم. وقتی این کتاب را دربرابر تجربه دهه+۸ و دوران دانشجویی می گذارم، که در آن دو واحد درس ترجمه قرآن گذراندم، احساس می کنم آنجا به اندازه چهار ورق از این کتاب، مطلب نبود. یکی از خلأهایی که در عرصه پیوند الهیات و ادبیات در کشور وجود داشت را دکتر فتوحی با این کتاب پر کرد. تمرکز صحبت من روی بخش سوم کتاب است، باتوجه به اینکه می خواهم از منظر الهیاتی به این کتاب نگاه کنم. نزول معناوساخته شدن لفظ درپرتوان داستان درازدانی دارد. اما ایامی توانیم این را به معنای همواردی یا رقابت دو

جلسه نقد و بررسی کتاب «ایرانیان و رؤیای قرآن پارسی» با حضور نویسنده اثر برگزار شد

شعر فارسی همچون متن مقدس



عکس: سعید سناگانی-شهریار

کتاب دیدم پیوند این سه بود.

غلامرضا اصفهانی:

فتوحی به مسائل بنیادین ادبیات میل کرده است
آثار دکتر فتوحی از تمرکز بر مسئله بلاغت و سبک شناسی و تاریخ ادبیات ـ به مثابه علوم اصلی ادبیـ آغاز شده و، در یکیـ دو اثر اخیر، دامنه این مباحث به مسائل بنیادین نظری ادبیات رسیده.



نکته مهم اول در اثر جاری، این است که قدمی از دانشگاه و مطالعات دانشگاهی به بیرون گذاشته، بین دانشگاه و ساخت فرهنگ دارد خودش را طرح می کند. این مسئله، به خودی خود، نشان دهنده این است که آکادمی ادبیات، ذیل آثار معدود افرادی چون استاد فتوحی، توانایی اندیشیدن به مسائل بنیادین ادبیات و به خودش، به مثابه یک کل- را دارد. نکته دوم اهمیت دادن به متون کلاسیک است، چیزی که تاریخ مصرف ندارد، و همیشه آمهات پراسازنده یک فرهنگ هستند. در این اثر، او همچنان خودش را منحصر کرده به بازخوانی متون

یک گزاره حجت افزای معرفت بخش بداندند، و حال اینکه این عنوان هم، مانند کارشاعرانه، به گمان من، یک عنوان رؤیاپردارانه و استعاره آمیز است. سخنی که در یک کانتکس شاعرانه بیان می شود باید باهمین فهم شاعرانه درک شود. «رؤیای قرآن پارسی» به معنای الهام گرفتن از قرآن و بساختن متن هایی است که مثل قرآن توانایی ساخت انسان و جامعه را دارد. درمیان مطالبی که نقل شد، شاید یکی از تندترین و تیزترین مطالب، نقلی است از شمس تبریزی: «مراساله محمد[رسول...] سود ندارد، مراساله خود باید.» این همواردی می کند با آن وصیت سهروردی به فرزندش که می گوید: «قرآن را چنان بخوان که گویی بر خود تو نازل می شود.» اما آیا این به معنای کنارگذاشتن قرآن عربی مُنزل به پیامبر(ص) است؟ خبر، بلکه به معنای رویکردی در فهم قرآن است.

متنی که دکتر فتوحی به آن پرداخته است به قدری زیباست و کلمه به کلمه پیراز نکته که انگار نویسنده می خواهد آخرین ماندگارترین اثرش را بنویسد. عماره ای نه صرفا ادبی، بلکه چگمی را در این کتاب می بینم. از هیچ پاراگراف کتاب نمی توان گذر کرد. جمله پایانی من که جمله پایانی این فصل دکتر هم بوده این است که شعر، فلسفه و وحی، در تاریخ بشر، سرچشمه بزرگ معوت بوده. آنچه من در این

آن جایی که می خواهیم ببینیم این حضور چقدر است، درست همان نقطه های چرخش تاریخ، است که ظهور و بروز متن ها محل جدال واقع می شود و می شود دیدشان. هرگاه یک جریان اندیشمندانه جدید وارد خاک ایران شده، اول باید تکلیفش را با این سه متن مشخص می کرده است. متن ها حضور دارند و شکل دهنده حرکات اجتماعی و هویت ها هستند. خوشحالم که می بینم هستند دیگری هم که پاسخ من به این پرسش را می پسندند. متن قطعا کاستی هایی دارد، اما آنچه کتاب مصمم بر سر آن ایستاده مسئله قانون گذاری یا هویت سازی کتاب هاست، کتاب ها بالاخره نماینده طیف هایی از ایرانی ها هستند، و شکل هایی از اندیشه ایرانی. مسئله مهم دیگر توافق همگانی بر سر آنچه متن بودن یاورچاندنبودن است، «هیاتی که از خوانش زیستمان متن مشخص می شود. زیست یک متن از وقتی آغاز می شود که نفر دوم و سوم آن را می خوانند، چیزی که تاکنون کمتر محل بحث بوده است.

در تمام کتاب، تلاش من این بوده که سرشت و کارنوشتن متن را با هم پیش ببرم. سرشت متن همان ذات متن است و به بیرون از آن تعلق ندارد، ویژگی های هنری اش است و اعجاز آمیزش. اگر کمتر به این مبحث پرداخته ام، به این دلیل است که دانشکده ادبیات به اندازه کافی به این

محمود فتوحی:

ملت ما با شعر زنده است

من این کتاب را در پاسخ به پرسش خودم نوشتم، اینکه آیا این حجم از سخن گفتن ها از «قرآن پارسی» ـ از پیش از سناپی تا امروز ـ مؤید وجود یک رؤیا نیست. البته من بیشتر «آرمان» تعبیر کرده بودم، نه «رؤیا»؛ از ترس مجوز نگرفتن، گفتند بگذار «رؤیا»، چون در «آرمان» عاملیت قدرتری نهفته است. به هر حال، این صحبت ها همیشه بود و سعی کردم چیزی بنویسم که خودم را اقناع کند. اما حالا، بعد از گوش دادن به صحبت دوستان، می فهمم که باید بیشتر تأمل کنم. کتاب، نخست، در قالب یک مقاله بود، اما برانگیختند مرا تا گسترش بدهم.

مسئله قرآن پارسی یا نص ملی، مسئله ای است که نظریه پردازان حوزه های مختلف به خلأ آن اشاره می کنند. در این اثر، سه متن مطرح شدند، سه اثرمن، که به تعبیر تاریخی، یعنی به تعبیر خوانندگان، صفت متن «ورچاوند» را گرفته اند، صفت هایی از نوع «قرآن پارسی»، «قرآن عجم» و «لسان الغیب». و البته هستند متونی که با می تواند درکنار این ها، سازنده و شکل دهنده باشند.

این متن ها هستند که شکل زندگی ما را تعیین می کنند. و



مسائل پرداخته است. این دو نکته است که اثرمن ها را شکل می دهد، و اثرمن ها هم، براساس توافق، نماینده حافظه متنی می شوند. ایرانیان یک حافظه متنی دارند و در گوران حوادث تاریخی، این حافظه متنی همیشه برقرار است. معتقدم که حکمت ایرانی و اندیشه ایرانی باید در متون ادبی خوانده شود. هر اندیشمندی که فارغ از متون ایرانی بخواهد تصویری از تاریخ فکر ایرانی ارائه بدهد کارش در یک جایی ناتمام و ناقص خواهد ماند. حکمت ایرانی امروز در شعر تداوم پیدا می کند و برای فهم ایران و ایرانی باید شعر خوانند. در کمتر ملتی این همه شاعر و تجربه زیستی به زبان شعر گزارش و نگارش شده؛ و راز زنده بودن زبان فارسی هم همین است. زبان فارسی به همین دلیل زنده است که متون خواندنی زیادی دارد. فرمولی وجود دارد بین بقای زبان و شعر، ملتی که شعر زیاد دارد و می خواند زنده است.



عکس: حسن علویانی-شهریار

گزارشی از مراسم رونمایی کتاب «خود آموز خبرنگاری حرفه ای»، نوشته علیرضا دوانلو

هیچ چیز نمی تواند جای روزنامه نگاران را پر کند

بیش از سی سال تجربه در حوزه روزنامه نگاری است، و از این منظر بسیار ارزشمند است. او بسیار خوش فکر است و تدریس رانیز به خوبی انجام می دهد. قلم او یک دنیا ارزش دارد و من او را صاحب قلم می دانم.»

خود را مدیون قلم دوانلو می دانم

غلامرضا بنی اسدی، روزنامه نگار پیشکسوت استان ـ و به ویژه ـ روزنامه «خراسان»، در ادامه این جلسه، با بیان نکاتی درباره نویسنده کتاب، گفت: «دوانلو صرفا خبرنگار نبوده است؛ او هم خبر را می فهمید و هم دردی که لایه لای کلمات نهفته بود را استخراج می کرد و در نوشته های خود به طور ویژه به آن می پرداخت. او یکی از افرادی بود که در تشویق من در همراهی با قلم نیز همت داشت؛ و من خود و قلم خود را مدیون دوانلو و افرادی نظیر او می دانم. او به خود تعلق ندارد و متعلق به جامعه است.»

کار روزنامه نگار جریان سازی است

در بخش دیگری از این مراسم، افسانه مظفری، دانشیار علوم ارتباطات، با بیان اینکه خود نیز ـ از قبل ورود به عرصه دانشگاه تا همین امروز ـ به روزنامه نگاری اشتغال داشته است، خاطرنشان کرد: «کسی که کار روزنامه نگاری انجام می دهد باید مسئولیت های اجتماعی آن را نیز ببپذیرد. کار او بسیار سخت و پرمسئولیت، و البته شیرین است. قدرت قلم نوعی انرژی به نویسنده می دهد که به واسطه آن او تلاش می کند، تا آنجا که قوانین و مقررات اجازه می دهد، به عنوان افشاکننده بر جامعه نظارت کند. کار او جریان سازی و مهندسی افکار عمومی است؛ و این روزنامه نگاران هستند که می توانند سیاست گذاران را هدایت کنند.»

کلاسیک، سومین نکته دوشادوشی امر جزئی و امر کلی از ابتدا تا کنون است؛ یعنی، اگرچه اواز مطالعات بلاغی و علوم ادبی به سمت مسائل نظری و بنیادین ادبی نبل کرده، اما همچنان آن نگاه جزئی نگر و روشمند و متدلوژی علمی خود را فرونگذاشته. اگرچه نویسنده اثر به سمت مسائل کلی حرکت کرده، اما نمی خواهد به دام نوعی انشاییفی و کلی گویی و داوری های شتاب زده بیفتد. حدودی را معین می کند و در چهارچوب همان حدود سخن می گوید. نکته چهارم این است که روش شناسی بلاغی همچنان در مرکز روش شناسی اثر است. که این اثر را برای من اهمیت می بخشد. اینکه می گویم روش شناسی بلاغی کاملاً آن را متمایز می کنم از روش شناسی تفسیری و تاویلی. اتفاقا نکته برجسته رهیافت نویسنده این است که نمی خواهد به دام تاویل بیفتد و تاویل کند؛ او می خواهد از عناصر بلاغی استفاده کند و به مانشان بدهد در کئو مسئله شاعرانگی و مسئله ادبیات، به ویژه در قرون میانه و فرهنگ مسلمانان که فرهنگ ایرانی هم جزوی از آن است. چه دشواری های بنیادینی نهفته است در متون ادبی.

نویسنده، شاعر را قانون گذار، در نظر گرفته است

یک تمایل و حرکتی در این اثر به سمت مسائل بنیادین و نظری ادبیات دیده می شود و نویسنده، پیشاپیش، فرضی را وسط می گذارد و از ابتدا با همین فرض جلو می رود، فرضی که در مطالعات ادبی ما کم سابقه است؛ ما کمتر منتقد ادبی یا تحلیलगردی داریم که مسئله شعر و شاعری را ذیل قانون گذاری توضیح بدهد. نویسنده قصد ندارد ذیل نظریه الهام و خیال صحبت کند، و این، اتفاقا، کاملاً سازگار است با رهیافت اصلی او که نمی خواهد در چهارچوب تعارف دانشگاهی قرار بگیرد. تعبیر بسیار درست و دقیقی را از این سینا وام گرفته است؛ او شاعران را «قانون گذاران» تلقی کرده. ما شعر اکثر به مثابه قانون فهمیده ایم، و شاعران را به مثابه قانون گذاران. شاعران الزاما کسانی نیستند که کلماتی به آن ها وحی و الهام شود و تحت تأثیر جاذبه یک نوع امر پری وار قرار بگیرند؛ این هست، اما، در مرحله بعدی، شاعران قانون گذارند و به واسطه صناعت شاعری خود ارزش های جامعه را وضع می کنند و شکل زندگی را ایجاد می کنند و به اهالی فرهنگ می گویند چگونه باید زیست.

با همین فرض، هم زمان، یک کشاکش و رفاقتی بین متن شاعرانه و متن و حیانی شکل می گیرد. شعر فارسی از قرن سوم به وجود آمده و، از همان ابتدا، درگیر این بوده که یک متن بزرگ قانون گذار ایجاد کند. در سنت ما، قیلا این کار را «کلیله و دمنه» می کرد. پروبلماتیک «کلیله و دمنه» این است، اثری که از هند آمده، اما سایه آن بر بخش اعظمی از اثرمن های فارسی گسترده شده. اولین بار رودکی «کلیله و دمنه» را به نظم درمی آورد و اثر بزرگ تولید می کند در قالب مثنوی. اما اینجا ناپسندگی ای وجود دارد که این سینا هم به آن اشاره می کند و می گوید «کلیله و دمنه»، ولو منظوم باشد، شعر نیست. چرا؟ چون از امور ممکن الوجود سخن نمی گوید.

این تقیصه را فردوسی برای نخستین بار، با سرودن «شاهنامه»، رفع می کند؛ به همین دلیل است که ما جرای وارد شدن «کلیله» را به سنت ما در خود «شاهنامه» می آورد و ـ به عبارتی ـ «کلیله» را تبدیل می کند به یک بخش کوچک از اثر خودش. فردوسی شاعر قانون گذار است و نوعی از شعر را به وجود آورده که بر مبنای آن می توان خوب و بد تعیین کرد و گفت چه زندگی ای شایسته انسان هست و چه نوع زندگی ای شایسته انسان نیست. اگر رقابت و کشاکشی با متن و حیانی رخ بدهد، از این نقطه است. چون اساس متن و حیانی هم از آن طرف آمده و می خواهد تعیین کند خوب و بد چیست و شما چگونه زندگی کنید.

حالا، اگر شاعران صنعتی در کار می کنند، صنعت، برحسب تعریف خود، باید آموزاندنی باشد. ما با یک متن و حیانی روبه رو هستیم که یک نوع صنعت تقلید ناپذیر است. این یک پارادوکس است و تمام مسئله است و شاعران فارسی با به وجود آوردن این اثرمن ها دارند این پروبلماتیک را در دل آثار خود حمل می کنند و به ما می رسانند. این مسئله چیست؟ حکمت؛ صنعت تقلید ناپذیر حکمت است. که بخشی درگو دانش صناعی شماس و بخشی درگو طبیعت حکیمانه که هر کسی ندارد. بنابراین، تمام مسئله چیزی که عنوان «رؤای قرآن پارسی» مطرح شده مسئله «دشواره حکمت» است.



عکس: حسن علویانی-شهریار

در پنجه شخصی می افکند که با او مصاحبه می کند.» دوانلو درباره اثر خود، کتاب «خود آموز خبرنگاری حرفه ای»، نیز گفت: «درباره این کتاب تلاش کردم که آن را از یک کتاب کلاسیک علمی به کتابی تبدیل کنم که، حتی اگر به دست فردی کم سواد و علاقه مند به روزنامه نگاری رسید، بتواند او را به یک خبرنگار تبدیل کند. همچنین، در این کتاب، از تعاریف جدید استفاده کرده ام که برگرفته از اطلاعات سایر رسانه های دنیا و مشتمل بر مفاهیمی است که کمتر در کتاب هایی با این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. ضمن آنکه تلاش کرده ام آن را به سمت عملیاتی شدن و کاربردی شدن هدایت کنم.»

خود را با تعریف «خبر» و نگاه به این تعریف از ابعاد مختلف ادامه داده، و، پس از آن، به توضیح ارزش های خبری، عناصر خبری و نحوه چیدمان عناصر خبر پرداخته است. دوانلو، سپس، به تفصیل به مفهوم «لید» پرداخته و از نقش لید در سبک تنظیم خبر سخن گفته است. پس از آن نیز مفهوم «تیتیر» را موضوع بحث و بررسی خود قرار داده، و در پایان، مطالبی هم درباره تنظیم خبر بیان کرده است.

کتاب «خود آموز خبرنگاری حرفه ای»، که انتشارات «طنین قلم» آن را روانه بازار نشر کرده است، اثری است ۱۹۶ صفحه ای که در آن علیرضا دوانلو اهم مطالب مورد نیاز برای یادگیری حرفه خبرنگاری را با زبانی ساده نگاشته است. از حدود سال ۱۳۷۹، به همراه برخی دیگر از دوستان، آموزش روزنامه نگاری را آغاز کردیم. ما در زمینه ای فعالیت کردیم که کشور، نظام و انقلاب و مردم به



عکس: حسن علویانی-شهریار